

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

انجیل مقدس، رساله اول پطرس

رساله امید

۱ پطرس ۴: ۱۲-۱۴

تجربیات آتشین (۱)

درس شماره ۱۶ از فصل ۴

آیه حفظی برای ۲۴ فوریه سال ۲۰۲۲

انجیل مقدس، یوحنا ۱۳: ۱۴

۱۴ پس اگر من که آقا و معلم هستم، پایهای شما را شستم، بر شما نیز واجب است که پایهای یکدیگر را بشوید.

آیه حفظی برای ۳ مارچ سال ۲۰۲۲

انجیل مقدس، ۱ پطرس ۴: ۱۲

۱۲ ای حبیبان، تعجب منماید از این آتشی که در میان شماست، و بجهت امتحان شما می‌آید، که گویا چیزی غریب بر شما واقع شده باشد.

قرائت کلام: لطفا ۱ پطرس ۴: ۱۲-۱۴ را بخوانید.

۱۲ ای حبیبان، تعجب منماید از این آتشی که در میان شماست، و بجهت امتحان شما می‌آید، که گویا چیزی غریب بر شما واقع شده باشد:

۱۳ بلکه بقدری که شریک زحمات مسیح هستید، خشنود شوید، تا در هنگام ظهور جلال وی شادی و وجد نمایید.

۱۴ اگر بخاطر نام مسیح رسوایی می‌کشید، خوشابحال شما؛ زیرا که روح جلال و روح خدا بر شما آرام می‌گیرد.

دعا: برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر مبنای آن درک درست.

مقدمه: در ۱۹ جولای سال ۶۴ میلادی، در دوران حکومت نرون قیصر روم، شهر روم در آتشی تمامگیر بسوخت. روم در آن زمان شهری بود با کوچه‌های باریک و ساختمان‌های چوبی چسبیده بهم. به همین علت شعله‌های آتش در آن بسرعت گسترش یافتند، و روم برای سه روز و سه شب بسوخت.

اهالی روم معتقد بودند که نرون مسئول این آتش سوزی است چون که شیفته این ارزو و خیال بود که شهر روم را از نو به دلخواه خودش بسازد. برای اینکار می بایستی شهر کهنه را خراب کند. همانطور که شهر روم می سوخت، نرون از بالای برج ماسینس آن صحنه را با شادی تماشا می کرد. سربازان نرون، بطور پنهانی، به این آتش سوزی دامن می زدند.

این آتش سوزی به مردم روم بشدت صدمه زد چون همه چیز خود را از دست دادند، از خانه و اموال شخصی شان گرفته تا بتخانه ها و اشعیاء مذهبی مرتبط با بتهای شان را از دست دادند. خشم و نفرت نسبت به نرون در حال افزایش بود. نرون احساس خطر می کرد و می بایستی گروهی را به عنوان متهمین این آتش سوزی به مردم معرفی کند تا خشم مردم از خود او دور شده و متوجه آنان شود. نرون برای این مسله، مسیحیان را انتخاب کرد و بطور علنی در سخنرانی اعلام کرد که مسیحیان بودند که این آتش سوزی را شروع کردند تا بتخانه های مردم روم را از بین ببرند.

این یک انتخاب بسیار حيله گرانه بود. چون مسیحیان بخاطر ماهیت ایمانشان مورد نفرت و تهمت‌های کاذب مردم قرار گرفته بودند. بطور مثال در آئین شام خداوند یا عشاء ربانی به مسیحیان تهمت می زدند که ایشان خون می نوشند و گوشت بدن انسان را می خورند، و یا چون مسیحیان یکدیگر را خواهر و برادر خطاب می کنند (نه مانند آنچه که در ایران است!)، وقتی ازدواج میکردند به آنها تهمت ازدواج با خواهر و برادر فیزیکی شان را می زدند. و عدم شرکت مسیحیان در مراسم پرستش خدایان روم، عدم شرکت مسیحیان در مسابقات وحشیانه رومی ها در کالوسیم شهر روم، میدان بزرگ شهر روم، رومی ها را به خشم می آورد. و در ضمن مسیحیان را با یهودیان مرتبط می دانستند. و چون یهودیان از قبل مورد نفرت رومی ها می بودند، این هم بر مسائل مسیحیان اضافه می نمود. و همچنین، وقتی در خانواده ای یکی از اعضای خانواده به مسیح ایمان می آورد و بقیه نه، این هم تنش در خانواده و نفرت نسبت به ایمان مسیحی بوجود می آورد.

شهروندان روم موظف بودند، به نشانه وفاداری شان به دولت روم و قیصر، در بتخانه ها برای سلامتی قیصر بخور بسوزانند و او را چون خدا پرستش کنند. از دیر زمان یهودیان ساکن روم از این قانون مستثنا می بودند. مسیحیان هم چون تا مدت زمانی، به عنوان شاخه ای از یهودیت شناخته می شدند، از این استثنا برخوردار می بودند. ولی با شدت گرفتن تنش بین یهودیان و مسیحیان بر سر رابطه ایمان مسیحی و شریعت تورات و اصلا شخص خود عیسی مسیح که یهودیان او را به عنوان خداوند رد می کردند، رهبران یهود، مسیحیان را از کنیسه ها بیرون کرده، و به دولت روم اطلاع دادند که اینها

جزوی از یهودیت نیستند، بنابراین هر گونه استثنای که شامل حال یهودیان می شد، نباید بر مسیحیان اطلاق شود. در نتیجه روم از مسیحیان می خواست که هر ساله در مراسمی برای قیصر در بتخانه ها بخور بسوزانند و او را چون خداوند پرستش کنند و اعلام کنند که قیصر خداوند است. که البته مسیحیان چنین کاری نمی کردند و صریحا می گفتند نه قیصر، بلکه مسیح خداوند است.

تمامی اینها باعث شد که جفای سیستماتیکی بر ضد مسیحیان شروع شود. بر آنها تهمت سیاسی شورش بر ضد دولت را می زدند، و شروع به دستگیری و محاکمه و کشتن مسیحیان نمودند. بطور مثال آنها را قیراندود کرده و بعد آتش می زدند و به عنوان مشعل در کاخ و باغ نرون به تیر چوبی آویزان می کردند. و یا در پوست حیوانات می دوختندشان و در مقابل سگهای درنده و گرسنه می انداختند تا شکارشان کنند. بچه های مسیحیان را در همان میدان کالوسیم روم در مقابل شیران گرسنه و درنده می انداختند و بسیاری اعمال وحشیانه دیگر. البته در زمانه ما هم اینگونه رفتارها وجود داشته، از جمله آقای ایدی امین رهبر کشور اوگاندا در ده ۷۰ میلادی قرن بیستم سر ایماندارن مسیحی را با مته برقی سرواخ می کرد. البته ایشان بعد از انقلابی که در کشورش شد، به عنوان یک مسلمان به کشور عربستان سعودی پناه برد و در آنجا در راحتی و آرامش تا آخر عمر زندگی کرد. و یا شهید شدن یک سری مسیحیان مصری در کشور لیبی در کنار آب دریای مدیترانه، وقتی گروه اسلامی داعش آنها را سر برید، در حالیکه آنان نام خداوند عیسی مسیح را صدا می زدند. ویدیوی این صحنه در یوتوب موجود است.

تقریبا برای ۲۰۰ سال از سال ۶۴ میلادی گرفته بجلو، با مسیحیان در امپراطوری روم اینگونه رفتار می شد. و رساله اول پطرس به احتمال قوی، کمی بعد از شروع جفاها با الهام روح القدس نوشته شده است، تقریبا در خاتمه سال ۶۴ میلادی. و در اینجاست، بخصوص در این متن است، که پطرس رسول به ایمانداران مسیحی در هر زمانه و در هر کشوری تعلیم می دهد که چگونه با جفاها روبرو شوند. برای پیروزی بر جفاها چند نکته را باید در نظر بگیریم:

نکته اول- انتظار آمدن جفاها را داشته باشید. آیه ۱۲،

۱۲ ای حبیبان، تعجب منماید از این آتشی که در میان شماست، و بجهت امتحان شما می آید،

که گویا چیزی غریب بر شما واقع شده باشد:

و این نکته ای است که در سرتاسر رساله اول پطرس بر روی آن تاکید می کند. در واقع باید متعجب بود اگر جفاها نیابند. آن جای تعجب دارد. یوحنا رسول می فرماید در انجیل مقدس، ۱ یوحنا ۳: ۱۳، **ای برادران من، تعجب نکنید اگر دنیا از شما نفرت گیرد.**

خداوند عیسی مسیح در انجیل مقدس، یوحنا ۱۵: ۱۸ می فرماید: **اگر جهان شما را دشمن دارد، بدانید که پیشتر از شما مرا دشمن داشته است.** انتظار نداشته باشید که این دنیا با شما بهتر از مسیح رفتار کند. و یا پولس رسول در انجیل مقدس، ۲ تیموتاوس ۳: ۱۲ می فرماید: **و همه کسانی که می خواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند، زحمت خواهند کشید.**

این آیات جواب خوبی هستند به تعلیمات کاذب انجیل کامیابی که می گویند اگر مسیحی شوید پولدار، و محبوب عالم می گردی و از تمام بیماری هایت شفا پیدا می کنی. نه! چنین نیست! توضیح در مورد وضعیت نسبی امنیت برای مسیحیان در غرب: موقتی است! و در حال از بین رفتن.

جفاها بهای شاگرد مسیح بودن اند. چرا؟ چون ایمان مسیحی ما انگشت می گذارد بر روی گناهان دنیا. بشارت ما، رفتار یک ایماندار راستین مسیحی، انگشت می گذارد بر روی گناهان مردم این دنیا. بهای شاگردی مسیح را باید بدانیم و به دیگران هم وقتی بشارت می دهیم، باید بگوئیم. خداوند عیسی مسیح در لوقا ۱۴: ۲۸-۳۲ می فرماید:

۲۸ زیرا کیست از شما که قصد بنای برجی داشته باشد و اول نشیند تا برآورد خرج آن را بکند که آیا قوت تمام کردن آن دارد یا نه؟

۲۹ که مبادا چون بنیادش نهاد و قادر بر تمام کردنش نشد، هر که ببند تمسخرکنان گوید،

۳۰ این شخص عمارتی شروع کرده، نتوانست به انجامش رساند.

۳۱ یا کدام پادشاه است که برای مقاتله با پادشاه دیگر برود، جز اینکه اول نشسته تأمل نماید

که آیا با ده هزار سپاه، قدرت مقاومت کسی را دارد که با بیست هزار لشکر بر وی می آید؟

۳۲ والا چون او هنوز دور است، سفیرانی فرستاده، شروط صلح را از او درخواست کند.

پیروی از مسیح بها دارد، آیه ۲۷ از لوقا ۱۴،

۲۷ و هر که صلیب خود را بر ندارد و از عقب من نیاید، نمی‌تواند شاگرد من گردد.

برای آمادگی در روبرو شدن بر جفاها چند اصل را باید در فرمان حک کنیم:

۱- یک شاگرد مسیح نیاز دارد که از محبت خدا مطمئن باشد تا بتواند در مقابل جفاها ایستادگی کند. دقت کنید به ابتدای آیه ۱۲ از ۱ پطرس: **ای حبیبان، تعجب منماید از این آتشی که در میان شماست، و بجهت امتحان شما می‌آید، که گویا چیزی غریب بر شما واقع شده باشد:**

جفاها باعث می‌شوند که در مورد محبت پدر آسمانی شک کنیم. در زمان نرون همین گونه بود، در زمان ما هم همین طور هست. ولی به حکم کلام خدا به شما می‌گویم، پدر آسمانی شما را محبت دارد. از نمونه ایوب درس یاد بگیریم. زمانی که همه چیز خود، منجمله فرزندانش را از دست داده بود، ولی هنوز به خداوند وفادار مانده بود، زن بی ایمانش در ایوب ۲: ۹ به او می‌گوید:

۹ و زنش او را گفت: «آیا تا بحال کاملت خود را نگاه می‌داری؟ خدا را ترک کن و بمیر!»

مطمئن باشید از محبت مستحکم و ابدی و ازلی پدر آسمانی.

۲- ولی یک شاگرد مسیح با تجربیات آتشین سخت روبرو می‌شود. انتظارش را داشته باشید. آماده باشید. گاردتان بالا باشد. چون حاضر نیستیم سازش کنیم و کار خلافی انجام دهیم با ما ضدیت می‌شود، در خانه، در سرکار، و یا در جامعه چون پیغام ما، پیغام راستین انجیل، برخوردار است ایماندار مسیحی شدن و مسیح را در کلیسا خدمت کردن ما را از جفاها معاف نمی‌کند. بلکه ضدیتها را با ما بیشتر می‌سازد:

۲ قرنیتیان ۲: ۱۵-۱۶: **زیرا خدا را عطر خوشبوی مسیح می‌باشیم هم در ناجیان و هم در هالکان.**

اما اینها را عطر موت، الی موت و آنها را عطر حیات الی حیات.